

آثار طمع مذموم از دیدگاه آیات و روایات

حانیه برنده^۱

چکیده

طمع در اصطلاح، تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است و در اصطلاح قرآنی توقع داشتن و حریص بودن در اموال و زندگی مردم است. طمع مذموم عبارت است از توقع بی جا و اشتیاق بی حد و حصر داشتن، آزمندی، زیاده‌خواهی و افزون طلبی خصوصاً به اموال، مادیات، متاع‌های دنیوی و سرمایه‌های عمومی و بیت المال و تجاوز به حقوق و اموال دیگران، مال و ثروت- اندوزی و نیز به معنای مقام پرستی، ریاست طلبی و میل و هواپرستی و شهوت گرایی و مادیگری. تحقیق پیش روی به روش مطالعه کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی، انواع طمع در آیات و روایات، منشا و درمان این بیماری بدخیم معنوی و راهکارهایی برای مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی معانی طمع در قرآن پرداخته شده است که این واژه ۱۲ بار در قرآن کریم آمده است و به معنای امیدواری، حرص، آرزوی محال و میل نفسانی است که بیشترین کاربرد آن امید و آرزو است. گفتنی است بررسی طمع متأثر از تفسیر آیات و روایات دارای زوایای ارزشمندی است که جامعه کنونی ما شدیداً به آن نیازمند است و در این نوشتار نیز بدان اشاره شده است.

واژگان کلیدی: آثار طمع مذموم، حرص، طمع،

مقدمه

طمع در لغت به معنای میل، زیاده‌خواهی است و با حرص و آز مترادف می‌باشد.^۲ اما طمع در قرآن کریم هم به معنای حرص و هم به معنای امید و آرزو و میل نفسانی آمده است. طمع به معنی امید در آیه‌ی «وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ»^۳. قرآن مجید در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی

^۱ سطح دو حوزه علمیه حضرت زهرا (س)، احمدآباد، brndhhanyh@gmail.com

^۲ بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۵۷۵.

^۳ الشعراء، ۸۲

^۴ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۴، ص ۲۳۸.

احزاب طمع را ثمره‌ی مرض قلب می‌داند. قلبی که از نور معرفت و ایمان به خدا و انبیاء و اولیاء محروم است، گرفتار حالات ابلیسی گوناگون از جمله حالات خطرناک طمع است. از امام باقر (ع) روایت شده است: «بد بنده‌ای است کسی که طمعی دارد که او را به دنبال خود می‌کشاند و بد بنده‌ای است آن که میلی دارد که او را خوار کند»^۱.

کسی که گرفتار حرص و اسیر صفت پلید افزون طلبی است، همواره در خود احساس کمبود نموده و به مال و ثروت دیگران چشم دوخته است. بلکه هر اندازه بر ثروت خود می‌افزاید طمعش افزون‌تر و چشم‌امیدش به مال مردم بیشتر می‌گردد. چشم داشت به اموال دیگران سرمایه‌گرانقدر عزت نفس را نابود و ذلت و بندگی و خواری را به ارمغان می‌آورد. بی‌نیازی از آن‌چه در اختیار دیگران است و ناامیدی از مال و منال مردم، سرمایه‌ای است ارزشمند که ریشه در ایمان به پروردگار متعال و باور به وعده‌های او دارد. مومن هیچ‌گاه وسیله ذلت و خواری خود را در برابر مردم فراهم نکرده، چشم‌امیدش به کسی است که حیات و زندگی و روزی و عزت در دست مبارک اوست. شخص با ایمان به خود اجازه نمی‌دهد که موجبات ذلت خویش را فراهم آورد، به همین جهت آن‌چه را در دست خود و دیگران می‌بیند، موهبتی الهی دانسته، جز به منبع فیض به کسی امید نمی‌رود. حضرات معصومین (ع) طمع به مال و منال دیگران را عامل ذلت، بلکه اثر ویران‌گر آن را در نابودی عزت نفس از سایر رذائل حیوانی خطرناک‌تر دانسته‌اند^۲. حرص و طمع یکی از صفات رذیله اخلاقی و یکی از شاخصه‌های حب دنیا محسوب می‌شود. در طول تاریخ، همواره حرص و افزون‌طلبی، سرچشمه انواع جنایات، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها، قتل و غارت‌ها و پشت کردن به اصول انسانی و فضایل اخلاقی بوده است. نقطه مقابل آن، قناعت است که سبب آرامش، عدالت و صلح و صفاست.

بچاری و همکاران در سال ۱۳۹۸ به بررسی آیات و روایات، منشا و درمان بیماری بدخیم معنوی طمع پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که طمع یک بیماری روحی است که از جانب شیطان و نفس اماره تقویت می‌شود و بهترین درمان آن فهمیدن و عمل به آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) است.

حسنی حمیدآبادی و یزدان پناه در سال ۱۳۹۴ به بررسی حرص و طمع؛ بسامد، انواع، علّت، نتایج و راه‌های درمان آن به صورت تطبیقی میان قرآن کریم و مثنوی معنوی پرداختند. مولوی به طور

^۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴.

^۲ اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، ص ۵۹۳.

گسترده و متأثر از قرآن، در صدد تفسیر آیات مرتبط با طمع است و به زوایای ارزشمندی اشاره دارد که جامعه‌ی کنونی ما شدیداً به آن نیازمند است.

نوروزپور در سال ۱۳۹۲ به مقایسه طمع در چهار اثر تعلیمی پیش از مولوی - قابوسنامه، رساله قشیریه، کیمیای سعادت و اخلاق ناصری- با مثنوی مولوی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان مداد که در قیاس با دیگر کتاب‌ها که بر جنبه‌های اجتماعی و فردی طمع تأکید کرده‌اند یا به جنبه ثواب و عقاب اخروی، مولوی با نظر به پیچیدگی‌های روان آدمی و جذابیت تمایلات نفسانی، جنبه-های گوناگون طمع را بررسی کرده و نفسانیات و بویژه طمع را آفاتی برای شناخت و سلوک عرفانی دانسته است بگونه‌ای که تداوم پیروی از هواهای نفسانی مانع ادراک می‌شود. در اندیشه مولوی عاری بودن از طمع، موجب کسب تجربه‌های شهودی و دستیابی به معرفت عرفانی است.

روش این تحقیق کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است و هدف از این نوشتار، آگاهی هر چه بیشتر خوانندگان از آثار طمع مطلوب چون عزت نفس، تلاش مضاعف، استجابت دعا، حفاظت از ایمان و رستگاری دنیوی و اخروی و طمع نامطلوب در گناه، ثروت اندوزی، جاه و مقام، شهوت پرستی، علم بدون عمل تنها زمینه ساز کسب منافع مادی بدون توجه به زندگی اخروی است.

مطمئناً آشنایی با ابعاد طمع بر اساس آموزه‌های اخلاقی در اسلام باعث می‌شود تا ارزش‌های مادی و معنوی در زندگی انسان هر چه بیشتر آشکار شود و همچنین زمینه‌ی تعالی جامعه‌ی آرمانی اسلامی نیز فراهم گردد.

مفهوم شناسی طمع

طمع، به معنای تمایل نفس به چیزی است که خارج از دست او است، مقابل استغنای نفس. این صفت از صفات مهلکه و از آثار دنیادوستی است. گاهی طمع به امر، مستحسن است اگرچه طمع-ورزنده مستحق آن نیست و گاهی نیز طمع، مذموم و قبیح است مانند تمایل رسیدن به چیزی که حق آن نیست مثل آرزو و تمایل به چیزی که در دست غیر او است و او هیچ استحقاقی ندارد^۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در توصیفی، طمع را فقر حاضر یعنی فقری که الآن موجود است، معرفی کرده‌اند^۲.

^۱ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۶۶۹؛ هاشمی رفسنجانی و همکاران، فرهنگ قرآن.

^۲ کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۴۹.

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ^۱.
 «دیدگان خویش را به آن چیزهایی که نصیب دسته‌هایی از ایشان کردیم میفکن و بخاطر آن چه آن‌ها دارند غم مخور و به مؤمنان نرم‌خویی کن»^۲.

مقصود از چشم دوختن به زینت زندگی دنیای آنان این است که داده‌های خدا را ننگرد و چشم حسرت به آنچه دیگران دارند بدوزد، و مقصود از ازدواج، مردان و زنان و یا اصناف مردم است، مانند صنف بت‌پرستان و صنف یهود و صنف نصاری و صنف مجوس^۳ و معنای آیه این است که: «چشم از آن چه که ما از نعمت‌های ظاهری و باطنی به تو انعام کرده‌ایم بر مگیر، و با حسرت به آن چه که به ازواج اندک و یا اصنافی از کفار داده‌ایم خیره مشو. بعضی^۴ از مفسرین جمله "لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ" را کنایه از نگاه طولانی گرفته‌اند. ولی خواننده خود می‌داند که علی‌ای حال منظور، نهی از رغبت و میل و تعلق قلبی است به آن چه که مردم از متاع‌های زندگی از قبیل مال و جاه و آوازه و شهرت دارند، از همه این‌ها بطور کنایه تعبیر می‌شود به نگاه نکردن، نه طولانی نکردن نگاه، آیه- ای هم که به زودی از سوره کهف نقل می‌گردد مؤید این معنا است. "و لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ" - یعنی از جهت اصرارشان بر تکذیب و استهزاء، و لجبازیشان در ایمان نیاوردن غم مخور. "وَ خَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ" - مفسرین^۵ گفته‌اند: «این جمله کنایه است از تواضع و نرم‌خویی و بدین جهت تواضع را "خفض جناح" نامیده‌اند که مرغ وقتی می‌خواهد جوجه‌هایش را در آغوش بگیرد پر و بال خود را باز می‌کند و بر سر جوجه‌ها می‌گستراند، و خود را تسلیم آن‌ها می‌کند. لیکن هر چند این معنا که مفسرین کرده‌اند با آیاتی دیگر تایید می‌شود، چنان که در وصف رسول خدا می‌فرماید: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ"^۶ به رحمت خدا بر آنان نرم شدی و نیز می‌فرماید: "بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ"^۷ به مؤمنین، رؤوف و مهربان است الا این که آن چه که در نظیر این آیه آمده، و می‌توان خفض جناح را بر آن حمل کرد عبارتست از صبر و خوشتن‌داری و سازگاری با مؤمنین، و این صبر با این معنا مناسبت دارد که کنایه باشد از زیر بال گرفتن مؤمنین، و همه هم خود را مصروف

^۱ سوره حجر، آیه ۸۸

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۷.

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

^۴ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۶۱، ص ۷۹؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۲۱۰.

^۵ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۴۵؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۴، ص ۸۰.

^۶ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

^۷ سوره توبه، آیه ۱۲۸.

و منحصر در معاشرت و تربیت و تادیب ایشان به آداب الهی نمودن، و یا کنایه باشد از ملازمت با آنان و تنها نگذاشتن و جدا نشدن از ایشان، هم‌چنان که مرغ وقتی خفض جناح می‌کند دیگر پرواز را تعطیل کرده از جوجه‌هایش جدا نمی‌شود، و خدای تعالی در این باره فرموده: "وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" خویشان را با کسانی که پروردگار خود را شبانه می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند صابر گردان و چشم از ایشان میند و به زینت زندگی دنیا مدوز.^۲

فیلیس ای. تیکل می‌گوید طمع گناهی است که به‌سادگی آن را در وجود دیگران می‌بینیم اما به‌ندرت خودمان را مبتلا به آن می‌دانیم — و قدرت طمع در همین نهفته است. حرص در لغت عبارت است از علاقه شدید قلبی^۳ و «زیاده‌روی در آزمندی و میل و اراده»^۴ واژه‌های معادل آن طمع و آز هستند.

طمع در لغت، به معنای حرص بر چیزی، چشم داشت، فریفته بودن و مال دوستی است در اصطلاح علمای اخلاق عبارت است از: توقع داشتن در اموال مردم.^۵

واژه‌شناسی طمع از منظر قرآن و روایات

واژه‌ی طمع و مشتقاتش ۱۲ بار در قرآن آمده است اما همه‌ی آن‌ها به یک معنی به کار نرفته‌اند بلکه طمع در این آیات گاهی به معنای امید، گاهی به معنای آرزوی دست نیافتنی، گاهی حرص و گاهی هم میل نفسانی آمده است. اکنون در ذیل آیاتی که معناهای مختلف طمع دارند آورده می‌شود:

۱- امید

بیشترین کاربرد معنایی واژه‌ی طمع در قرآن معنای امید و امیدواری است.

^۱ سوره کهف، آیه ۲۸.

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

^۳ قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۹.

^۴ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۲۷.

^۵ النزاعی، جامع السعادات.

آلودگی و گناه آنان شده است و در روایات اسلام نیز به این حقیقت توجه داده شده است، چنان که حضرت علی (علیه السلام) در وصیت نامه معروفش به امام حسن (علیه السلام) می فرماید:

«وَإِيَّاكَ أَنْ تُجِفَّ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتُورِكَ مَنَاهِلُ الْهَلَكَةِ» ای فرزندم بترس از اینکه شترهای طمع تو را به چراگاه هلاکت ببرد (که به واسطه طمع گناه کنی).^۱

و ابان بن سوید می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم:

«مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِ الْعَبْدِ؟ قَالَ الَّذِي يُثَبِّتُهُ فِيهِ الْوَدْعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهُ الطَّمَعُ» چه چیز ایمان را در دل می گرداند؟ فهود، آن چه ایمان را در دل ثابت نگه می دارد، ورع "ترس از خدا" است و آن چه ایمان را از دل بیرون می برد طمع است.^۲

۸- غفلت از هدف آفرینش

ناگفته پیداست که زندگی و خوشبختی انسان ها منحصر به زندگی محدود این جهان مادی نیست، بلکه زندگی واقعی و سعادت جاودانی وی در عالم آخرت هست و هدف از آمدن به این جهان و مقصود از آفرینش بشر تکامل وی و کسب سعادت و حیات ابدی در آن عالم است که هر کس با خود سازی و تحمیل فضائل اخلاقی و انجام اعمال نیک و پرستش پروردگار عالم و رشد فکری و کمال روحی باید آن را برای خود تامین نماید. چنان که خداوند متعال می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ما جن و انس را جز برای پرستش نیافریدیم.^۳

بنابراین از آن جا که انسان طمع کار به آن چه از دنیا دارد قانع نبوده و چشم به مال، مقام و تجملات دیگران دوخته و برای به دست آوردن آن ها دست تملق، تعریف بی جا و خضوع در برابر صاحبان مال و مقام زده و خویش را ذلیل کرده و خود را به هر کار زشتی آلوده می سازد، هدف از آفرینش و آمدن خود را به دنیا فراموش کرده است و به جای تحصیل سعادت آخرت مال ناپایداری از دنیا بدست آورده است.

۹- ضعف ایمان

^۱ خادمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ص ۲/۱۳۵.

^۲ خادمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ص ۲/۱۳۵.

^۳ سوره ذاریات آیه ۵۶

کسی که اعتقاد درستی به خداوند ندارد و ایمانش به قدرت، علم، حکمت و رازق بودن او ضعیف است و تنها فعالیت‌های خود و کمک دیگران را باعث خوشبختی و در انجام کارهایش موثر می‌داند گرفتار ذلت بار طمع و چشم داشت به مردم می‌گردد، ولی هر گاه کسی ایمانش کامل بوده و باور داشته باشد که «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^۱ به درستی که خدا روزی دهنده، صاحب اقتدار و نیرومندی است و «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر کسی که از خدا بترسد برای بیرون رفتن (از گناهان و حوادث) برای او راه می‌گشاید و از جایی گمان نبرد به او روزی می‌رساند و آن کس که بر خدا توکل و اعتماد نماید (خداوند در گرفتاری‌ها) وی را کفایت خواهد کرد...^۲ بدون تردید تنها توجه وی به خداوند بوده و هرگز خود را آلوده به صفت رذیله طمع نکرده و از زیان‌هایش در امان خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

روشن‌ترین زیان و اثر شوم طمع ذلت و خواری است، زیرا کسی که چشم طمع به مال یا مقام کسی دوخته برای جلب توجه وی و بهره‌مندی از وی ناگزیر است در برابرش خضوع کرده و زبان به اظهار فقر و درماندگی بگشاید تا دل او را بدست آورده از او بهره‌مند گردد. نقطه‌ی مقابل طمع که از رذائل اخلاقی به شمار می‌رود قناعت است که از فضائل ارزشمند اخلاقی است و باعث عزت، سربلندی و آرامش خاطر انسان در دنیا بوده و سبب تکامل فکری و روحی و سعادت وی در عالم جاودانی آخرت می‌گردد.

طمع در دو نوع مطلوب و نامطلوب همواره مورد توجه آیات و روایات قرار گرفته است لذا هر چند که شخص طمع‌کار و طمع‌ورز مستحق آن چیزی نیست که خواهان آن است اما اموری نیز هستند که انسان نه تنها می‌بایست نسبت به آن طمع داشته باشد بلکه بر آن اصرار کند و از خدا بخواهد تا آن چیزی که مستحق آن نیست به وی ببخشد.

سفارش به فضایل اخلاقی و نکوهش رذایل اخلاقی همواره محوری‌ترین مبانی قرآن و روایات هستند. در قرآن کریم، پنج بار واژه‌ی حرص به کار رفته است. این مفهوم در برخی از آیات قرآن مستقیماً به کار رفته است و در برخی دیگر تنها به مفهوم آن اشاره شده است و به طور غیر مستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. در قرآن کریم بیان شده که زیاده‌خواهی و نداشتن ایمان و

^۱ ذاریات آیه ۱۸

^۲ سوره طلاق آیه ۲ و ۳

توکل نکردن به پروردگار باعث به وجود آمدن حرص در آدمی می‌شوند. مهم‌ترین نتایج حرص از دیدگاه قرآن بدین قرار است: «تغییر نگرش و نابینایی از دیدن حقایق معنوی، ایجاد حجاب میان خداوند و انسان، قطع رحمت پروردگار، عدم استجابت دعا، به وجود آوردن غم و رنج، و گمراه کردن انسان. در قرآن کریم اعتماد و توکل بر خداوند و پناه بردن به او، اصلی‌ترین راه درمان حرص است. در ادامه به بیان پیشنهادهای جهت مصونیت از بیماری روانی طمع به شرح ذیل پرداخته شده است:

۱- قناعت و ساده زیستی به عنوان پادزهر و اصلی‌ترین فضیلت در برابر رذیله طمع، به عنوان فرهنگ و تقوای معشیت می‌بایست در خانه و خانواده مورد عنایت والدین قرار گیرد تا نوجوانان بتوانند به راحتی روح و روان خود را از رذیله طمع دورنگه دارند.

اگر بگوییم، ریشه تمامی قتل‌ها، سرقت‌ها، غارت‌ها، جنگ‌ها، جنایت‌ها، خشونت‌های خانوادگی، فاصله‌های عظیم طبقاتی، ریشه در طمع و آزمندی دارد امر واضحی را طرح و تکرار کرده‌ایم.

۲- عمل، جسم و نیت، روح هر عمل می‌باشد، لذا اگر برای بدست آوردن ثروت و قدرت، نیت (که روح و قطب نمای عمل می‌باشد) را جلب رضایت خداوند لازم و کافی بدانیم، تیشه به ریشه طمع و حرص زده‌ایم.

۳- فلسفه وجودی هر پدیده‌ای (مسکن، مرکب، پوشاک، خوراک و...) را بشناسیم در این صورت مسکن و مرکب برای آرامش و انجام بهتر امور زندگی خواهد بود نه فخر فروشی و زیاده طلبی و استثمار دیگران.

۴- معاشرت و مراوده با سرمایه سالاران و ثروت اندوزان دامنه آتش زیاده طلبی و دنیا پرستی و طمع را در ذهن و زندگی ما برافروخته و مانع مقابله با رذیله طمع خواهد شد. برعکس مراوده و دوستی با افراد قانع و ساده زیست قوت و قدرت ما را در جهت مقابله با آرزوهای طولانی تقویت خواهد کرد.

۵- مطالعه سرگذشت پاکان و نیکان و صالحان و مبارزان.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه.

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. دار الكتب العلمیه، لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی. **معانی الأخبار**، ترجمه محمدی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۳- اسماعیلی یزدی، شیخ عباس. **فرهنگ صفات**، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۴- النراقی، المولی احمد. **جامع السعادات**. مؤسسه انتشارات هجرت، قم - ایران، ۱۳۷۸.
- ۵- بستانی، فؤاد افرام. **فرهنگ ابجدی**، جلد ۱، انتشارات اسلامی-تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵.
- ۶- بچاری، جعفر و ساکت، محسن و اسماعیل پور، حسین. **"بررسی آثار رفتاری طمع در آیات و روایات"**، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران، ۱۳۹۸.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. **غرر الحکم و دررالکلم**، نشر دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۸- تویسرکانی، محمد نبی. **لئالی الاخبار**، علامه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۹- حرعاملی، محمد بن حسن. **وسائل الشیعہ**، مؤسسه اهل بیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۰- حسنی حمیدآبادی، مهناز؛ یزدان پناه، مهرعلی. **"بررسی تطبیقی حرص در قرآن کریم و مثنوی مولانا"**. زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، سال هفتم، پاییز، شماره ۲۴، ۱۳۹۴.
- ۱۱- خادمی اصفهانی، اکبر. **اخلاق اسلامی**، محل انتشار: قم، ناشر: نسل جوان، ۱۳۸۵.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، دمشق، ناشر دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۳- شوارتز، جسیکا. **از طمع تا وحشت**. (مترجم احسان سپهریان)، نشر: چالش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین. **ترجمه تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن. **مجمع البیان**. (مترجم: نوری همدانی، حسین)، نشر فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۶.

- ۱۶- فخر رازی، محمد بن عمر. **التفسیر الکبیر**، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰.
- ۱۷- فیلیس ای. تیکل. **طمع**. (مترجم: نسترن ظهیری)، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۶.
- ۱۸- قرشی، سید علی اکبر. **قاموس قرآن**، ج ۵، چاپ الکتب الاسلامیه یازدهم؛ تهران، دار، ۱۳۷۲.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب. **الاصول من الکافی**، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر. **بحار الأنوار**، نشر الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۲۱- محمدی ری شهری، محمد. **میزان الحکمه**، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۲۲- مدائنی، عبدالحمید بن محمد. **شرح نهج البلاغه**، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۲۳- مصطفوی، حسن. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر. **اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)**، نسل جوان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۲۶- مولوی. **مثنوی معنوی**. مقدمه استاد بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم، ۱۳۵۷.
- ۲۷- نوروزپور، لیلا. **حرص و طمع در مثنوی مولوی و مقایسه آن با چهار اثر در حوزه ادبیات تعلیمی**. سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۶، شماره ۱ (پی در پی (۱۹)؛ ۱۳۹۲.
- ۲۸- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. **فرهنگ قرآن**، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۹- هندی، حسام الدین. **کنزالاعمال فی سنن الاقوال**، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ه.ق.